

### ۱- مشکلات نظام بانکی کشور

نظام بانکی کشور طی دهه‌های پس از انقلاب اسلامی در جنبه بانکداری دولتی، قانون عملیات بانکی بدون ربا، مداخله‌های بی‌رویه دولت و محیط تورمی و نبود برنامه و طرح جامع اصلاحی معطوف به استقرار فضای سالم رقابتی و نظام انگیزشی مناسب، از انجام وظایف و تکالیف مورد انتظار بازمانده و دچار عدم کارایی مزمن و مشکلات ساختاری عدیده شده است. حجم قابل توجهی از بدهی دولت به نظام بانکی کشور محصول دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران است که همراه با ناهنجاری‌های اقتصادی دوران جنگ، بدهی‌های سنگین بعدی دولت به نظام بانکی را ایجاد کرد. بنابراین کل بدهی‌های دولت به سیستم بانکی را می‌توان محصول دوران جنگ دانست.

هم‌اکنون بدهی‌های دولت به سیستم بانکی بخش قابل توجهی از دارایی‌های بانک‌ها را به خود اختصاص می‌دهد؛ چندان که سنگینی و ثقل این بدهیها، گرچه در مقطعی نامعلومی، اما بانک‌های دولتی را دچار افلاس و ورشکستگی خواهد کرد.

تاسف‌بارتر اینکه بیش از ۶۰ درصد این بدهی‌ها، که دارایی بانک مرکزی تلقی می‌شود، طی دهه‌های گذشته بانرخ‌های سود سالانه صفر درصد تقویم شده است. این رویه حسابداری، که با استانداردهای کار بانکی مطابقت ندارد، پیامدها و عوارض سنگینی بر اقتصاد ملی طی سال‌ها و دهه‌های گذشته وارد کرده است (ارزیابی کمی و کیفی آن از حوزه بحث حاضر خارج است).

بخش قابل‌اعتنایی از مشکلات و نابسامانی‌های نظام بانکی کشور در دو دهه گذشته ناشی از شکافی است که بین قانون عملیات بانکی بدون ربا و کارکرد بانک‌ها همواره وجود داشته است. قانون عملیات بانکی بدون ربا حداقل در سه حوزه، انعکاسی از فلسفه و شکل خاصی از واسطه‌گری مالی است که به دشواری می‌توان بدان عنوان بانک را اطلاق نمود. مباحث مربوط به صبغه سپرده‌گذار در بانکداری بدون ربا، نقش عاملیت و وکالت بانک از جانب سپرده‌گذاران و موضوع مشارکت بانک در حوزه اعطای تسهیلات از جمله مباحث و مطالبی است که با نظام بانکداری نوین به مفهوم امروزین آن سنخیت و هماهنگی ندارد. در واقع به نظر نمی‌رسد که مسائل و مشکلات این مفاهیم تجربیدی در حوزه عمل و اجرا دغدغه فکری در طراحان اولیه بانکداری بدون ربا ایجاد کرده باشد. همان‌گونه که انتقال ریسک پائین نرخ‌های سود عملکرد بانک نسبت به علی‌الحساب پرداختی به سپرده‌گذاران به ترازنامه و حساب‌های مالی بانک از بابت حفظ اعتماد و اطمینان

شورای پول و اعتبار در آخرین جلسه خود در سال ۱۳۸۴ حداقل نرخ سود مورد انتظار تسهیلات بانک‌های دولتی را از ۱۶ درصد به ۱۴ درصد تقلیل داد. در همین جلسه حداقل نرخ سود علی‌الحساب سپرده‌ها در بانک‌های دولتی نیز در دامنه ۷ درصد برای سپرده‌های کوتاه‌مدت و ۱۶ درصد برای سپرده‌های بلندمدت پنج‌ساله تعیین شد. شورای پول و اعتبار همچنین تصویب کرد که حداقل نرخ سود مورد انتظار تسهیلات اعطایی بانک‌های خصوصی ۳ درصد بالاتر از بانک‌های دولتی یعنی در سطح ۱۷ درصد اعمال شود. با توجه به سکوت شورای پول و اعتبار در زمینه نرخ سود علی‌الحساب سپرده‌ها در بانک‌های خصوصی، این بانک‌ها مجاز خواهند بود که در زمینه نرخ‌های سود علی‌الحساب سپرده‌های مختلف، با توجه به شرایط بازار و به صورت رقابتی به ابتکار خود عمل کنند. در گزارش حاضر تلاش خواهد شد تا تحلیلی در زمینه دلایل و توجیهاات این تصمیم، رفتار و واکنش بانک‌ها نسبت به این تصمیمات و آثار اقتصادی آن، ارائه شود.

نگاهی به سیاست تازه کاهش نرخ‌های سود بانکی،  
آثار اقتصادی آن و رفتار بانک‌ها

## تکلیف سنگین



دکتر هادی مهدویان

خود را بر ترازنامه و دارایی های بانک های دولتی بر جای گذاشته است و چنان که پیداست ساماندهی به وضعیت مالی بانک ها در کوتاه مدت امکان پذیر نیست.

متاثر از مشکلات فوق الذکر و عدم تدبیر و تدبیر در زمینه های نظیر تجدید ساختار مالی بانک ها، معرفی تکنولوژی اطلاعات و تشکیل بانک های اطلاعاتی، معرفی و استقرار مدیریت ریسک، بازنگری ظرفیت های وام دهی و خدمات رسانی بانک ها، ارتقا مدیریت نقدینگی و امثال آن در بانک های دولتی باعث شده است که شکاف وسیعی بین بانک های کشور و بانکداری مدرن ایجاد شده باشد. تاسف بارتر آن که هیچ گونه طرح و برنامه مدون و جامعی جهت ساماندهی نظام بانکی کشور در اختیار قرار ندارد، اگرچه ابعاد کوچکی از این مشکلات در قانون برنامه چهارم مورد رجوع قرار گرفته است. به نظر می رسد بسیاری از دولتمردان گذشته و حال و صاحب نظران اقتصادی و بانکی کشور به این جمع بندی رسیده باشند که اساساً به دلیل سلطه مشکلات مالی و اقتصادی کشور و ایجاد توقعات فراینده مردمی، انتظار تدوین و اجرای این سیاست ها از جانب دولت دور از ذهن است و برای این امور فقط می باید به بانک های خصوصی و خصوصی سازی بانک های دولتی چشم امید داشت. اما خصوصی سازی بانک های دولتی بیش از یک دهه است که در تنگنای تفاسیر مضیق از اصل ۴۴ قانون اساسی متوقف شده است. از آن گذشته با توجه به ضعف و شکنندگی صورت های مالی بانک های دولتی به نظر نمی رسد که خصوصی سازی این بانک ها قبل از پاکسازی ترازنامه آنها از مطالبات بد و بلاوصول و تجدید ساختار مالی بانک ها امکان پذیر و موفقیت آمیز باشد.

## ۲- مصوبات اخیر شورای پول و اعتبار

تصمیم های اخیر شورای پول و اعتبار در خصوص نرخ های سود بانکی برای بانک های دولتی و خصوصی از سه بعد قابل بررسی است:

نخست، بحث دلایل کارشناسی شورای پول و اعتبار و مدافعان طرح کاهش نرخ های سود بانکی که یقیناً اجرای موفقیت آمیز طرح منوط به صحت و قابلیت دفاع از آن هاست؛

دوم، بررسی واکنش های احتمالی بانک های دولتی و خصوصی در مواجهه با این سیاست ها و رویه های سیاسی؛

و سوم، آثار عمده این سیاست ها در حوزه متغیرهای کلان اقتصادی و رفتارهای بازیگران استراتژیک (بانک ها) و اشخاص (سپرده گذاران و تسهیلات

الزامات و نقطه نظرات خود را در زمینه اعطای تسهیلات بانک ها و استفاده کنندگان از تسهیلات بانکی در قالب مصوبه بر بانک ها اعمال کرده است. افزون بر این به اعتبار جایگاه مالکیتی و قدرت نصب و عزل مدیران عامل و هیات مدیره بانک های دولتی، حتی در زمینه هایی که قوانین و مقررات جاری امکان اجرای سیاست های مورد نظر دولت را نمی دهند، با درونی ساختن فرآیند قرارداد بین بانک و متقاضی تسهیلات و دور نگهداشتن خود از صحنه تفاهم بانک و مشتری، در شکل دهی به دارایی های بانک ها بسیار مؤثر بوده است.

## استفاده از وجوه تجهیز

### بانک های خصوصی در

### زمینه های خارج از ترازنامه،

### اعمال هزینه های کارمزد و

### کمیسیون و حق العمل در حوزه

### اعطای تسهیلات می تواند آثار

### و آسیب های ناشی از نرخ

### مصوب تسهیلات را تقلیل دهند

از همین رو اگر چه بانک ها ظاهراً در بسیاری از زمینه های تسهیلات اعطایی، خصوصاً تسهیلات شرکت های دولتی، یا تبدیل تسهیلات بانک ها به مشارکت حقوقی براساس تفاهم و ارزیابی کارشناسی خود اقدام کرده اند و هیچ گونه ردپایی از مداخله دولت در ناهنجاری های حاکم بر دارایی های بانک ها ممکن است مشاهده نشود، اما در زمان فعلیت یافتن اقدامات بانک ها در اغلب موارد فشار دولت یک عامل مؤثر در تصمیمات مدیران عامل یا هیات های مدیره بانک ها بوده است. همین شیوه تصمیم گیری در دهه های گذشته بر سیاست های مورد نظر شورای پول و اعتبار حاکم بوده است؛ به نحوی که در بیشتر سال ها وزراء و منصوبین دولت در شورا، حائز اکثریت نسبی برای اتخاذ تصمیمات بوده اند. با توجه به نقش و حساسیتی که وزرای دولت در تعیین و نصب مدیران و هیات های مدیره بانک ها و میزان انطباق پذیری آن ها با سیاست های خود دارند، به نظر نمی رسد که تصویب هیچ قانونی نیز بتواند به دور نگهداشتن دولت از بانک ها و سپرده های مردمی بینجامد.

این معضلات طی دهه های گذشته آثار بسیار زیانبار

سپرده گذاران به نظام بانکی و هبه این وجوه از حساب بانک دولتی به سپرده گذاران و ظاهر بلا اشکال این امر در بانکداری دولتی، هیچ گاه برای بانکدار خصوصی مورد مذاقه و گفت و گو قرار نگرفته است.

فاصله گرفتن کارکرد بانک های دولتی از فلسفه بانکداری بدون ربا، به گونه ای که در قانون تعریف و تبیین شده است و تلاش هراز گاه و گسسته مسئولین برای پر کردن این شکاف از طریق اتخاذ تصمیمات و اجرای سیاست های گزینشی و تشخیصی بعضاً ناهنجاری های کارکردی بانک های دولتی نسبت به تعریف مشخص و معین از یک بانک را افزایش داده و مشکلات بانک ها را دو چندان کرده است. نمونه های بسیاری از اجرای این گونه راه حل های تشخیصی به بهانه اسلامی کردن عملکرد بانک ها طی دو دهه گذشته وجود دارد که نه تنها گرهی از معضلات پیچیده بانک ها نگشوده، بلکه منجر به ایجاد گرفتاری بیشتر و شکاف بزرگتر در فعالیت های بانکی کشور نسبت به بانکداری استاندارد و متعارف شده است.

قانون عملیات بانکی بدون ربا به تعبیری نفی ضرورت وجودی بانک در نظام اقتصادی کشور و تبیین انواع دیگری از واسطه گری مالی و تامین مالی فعالیت های اقتصادی تحت عنوان بانک تلقی می شود. براساس فکر و نظر طراحان اولیه این قانون و اقرار به شرایط اضطراری حاکم بر تدوین آن، مقرر بوده است که قانون مزبور پس از پنج سال براساس ارزیابی عملکرد مورد تجدیدنظر قرار گیرد، اما این ارزیابی و تجدیدنظر هیچ گاه صورت نگرفته است.

بخش دیگری از مشکلات نظام بانکی کشور ناشی از دخالت های بی رویه ای است که بدون توجه به نقش و وظیفه اصلی بانک ها و فضای تورمی کشور، همواره از جانب دولت به بانک ها تحمیل شده است. شکی نیست که دولت به عنوان تنها مالک بانک های دولتی دارای حقوق مالکیتی است، اما در قالب ضوابط حاکم بر بانکداری و شرکت داری نوین نمی توان و نباید حقوق مالکیت را به معنای مداخله بی رویه در حوزه های کارکردی فعالیت بانک ها تلقی کرد. اینک با ورود بانک های خصوصی به حوزه فعالیت بانکداری کشور این تلقی از جانب دولتمردان بیش از گذشته مورد چالش قرار دارد.

در نظام های نوین مدیریت کلان اقتصاد کشور ملاحظاتی دولت در زمینه های مختلف فعالیت بانک ها می باید همانند برنامه مالی (بودجه ای) دولت، به صورت شفاف و از قبل در قالب برنامه پولی سال تدوین گردد و به اجرا درآید. طی دهه های گذشته دولت سیاست ها،

خود هستند، مگر آن که دولت از این بابت پوشش‌های لازم را، همان‌گونه که به‌طور طبیعی برای بانک‌های دولتی وجود دارد، به بانک‌های غیردولتی نیز تسری دهد. شکی نیست که شورای پول و اعتبار بر اساس قانون پولی و بانکی کشور در زمینه تعیین نرخ‌های سود بانکی صاحب اختیار و جایگاه قانونی است، اما استفاده از این اختیار قانونی مستلزم ارائه یک تحلیل جامع و برقراری آرایش و ترتیبات مناسب نرخ‌هاست؛ به گونه‌ای که مصالح و منافع سپرده‌گذاران و سهامداران بانک‌های خصوصی مدنظر قرار گیرد. دولت می‌تواند با توجه به مالکیت خود صیغه منافع سهامدار بانک دولتی را نادیده بگیرد، اما نمی‌تواند، این بی‌پروایی و بی‌ملاحظه‌گی را نسبت به بانک‌های خصوصی اعمال کند. وانگهی مصوبه شورای پول و اعتبار نه فقط فاقد نگاه و تحلیل سیستماتیک در زمینه آرایش نرخ‌های بانکی و ارتباط نرخ‌های سپرده‌ها، تسهیلات بانکی، هزینه واسطه‌گری و ارتباط این

اجزای نسبت به یکدیگر است، بلکه این مطلب نیز مغفول است که بانک مرکزی می‌باید در پیچه اعطای تسهیلات به بانک‌ها در نرخ‌های مصوب خود منهای هزینه واسطه‌گری را باز نگه دارد تا بانک‌ها دچار مشکل نقدینگی و صف‌های طولانی متقاضی نباشند. لذا مقام سیاستگذار پولی از بابت آن که این گونه سیاست‌ها را به صورت مقطعی، گسسته، ناپیوسته و غیر جامع به مرحله اجرا می‌گذارد، قابل انتقاد است. مقام پولی کشور هنوز چارچوب سیاستی و نظارتی واحد و یکسانی ناظر بر کارکرد بانک‌های دولتی و خصوصی در اختیار ندارد و به این دلیل در تصمیمات سیاستی نمی‌تواند صیغه منافع سهامداران و سپرده‌گذاران بانک‌های خصوصی را نادیده بگیرد، اگرچه این اغماض در مورد بانک‌های دولت روا و دارای توجیه است، زیرا که علی‌النهایی پیامدهای این گونه تصمیمات در مورد بانک‌های دولتی به دولت رجعت می‌کند.

در سطحی دیگر می‌توان واکنش بانک‌های دولتی و غیردولتی نسبت به سیاست‌های نرخ سود بانکی مصوب شورای پول و اعتبار را مورد تحلیل قرار داد. بانک‌های خصوصی کشور از ابتدای شروع صدور مجوز فعالیت بانکی به بخش خصوصی بر محدودیت‌های قانونی و حقوقی کار در فضای قانون بانکداری بدون ربا، خصوصاً محدودیت تخصیص و مصرف وجوه قابل استقرار، واقف بوده‌اند. به همین دلیل فعالیت بانک‌های خصوصی در کشور از بدو تولد



### مطلب عمده دیگر آن که هیچ‌گونه کنترل و نظارت دقیقی در کشور بر نحوه تخصیص و مصرف درآمدهای تقسیم‌نشده شرکت‌ها و مؤسسات تولیدی حاکم نیست

پائین‌تر از نرخ‌های تعادلی بازار در تسهیلات بانکی متمتع‌اند، و جوه مازاد خود را به نرخ‌های بسیار بالا در بازار شناور ساخته، از منافع آن بهره‌مند می‌شوند.

ذکر این مطلب ضروری است که شورای پول و اعتبار در گذشته هم مصوبه‌های مشابهی در مورد بانک‌های غیردولتی داشته است، اما مصوبه‌های قبلی حالت توصیه و پیشنهاد داشته‌اند، ضمن آن که به‌طور کلی بانک‌های غیردولتی نسبت به توصیه‌های قبلی شورا بی‌اعتنا بوده‌اند. به نظر نمی‌رسد تصمیمات شورای پول و اعتبار در زمینه نرخ‌های سود بانکی برای بانک‌های غیردولتی الزام‌آور باشد، زیرا بانک‌های غیردولتی در درجه اول در اندیشه منافع سهامداران و سپرده‌گذاران

گیرندگان) که بیشتر اوقات با تاخیرهای زمانی طولانی ظاهر می‌شوند.

در موضوع سطح مناسب نرخ‌های سود بانکی (اعم از نرخ‌های تسهیلات بانکی و سپرده‌های بانکی) مطلب اساسی به رابطه نرخ‌های سود سپرده‌ها و نرخ تورم از بابت تسهیل امر واسطه‌گری، تقلیل آثار بازارهای غیررسمی و تسریع در روند تجهیز و تخصیص بهینه منابع بانک‌ها در راستای اهداف عمده کلان‌نظیر رشد، اشتغال و سرمایه‌گذاری مربوط می‌شود. ادبیات اقتصادی و تجربه کشورهای موفق در زمینه اجرای سیاست‌های پولی حاکی از نبود رابطه علی بین نرخ‌های سود تسهیلات و تورم است. حداقل دو استدلال قوی نظری و تجربی در این زمینه می‌توان ارائه کرد. اول آن که قیمت‌گذاری کالاها و خدمات عمدتاً بر اساس عوامل عرضه و تقاضا در بازار کالاها و خدمات صورت می‌گیرد و کاهش هزینه‌های مالی تولیدکنندگان منجر به کاهش قیمت نهایی تولید مستقل از

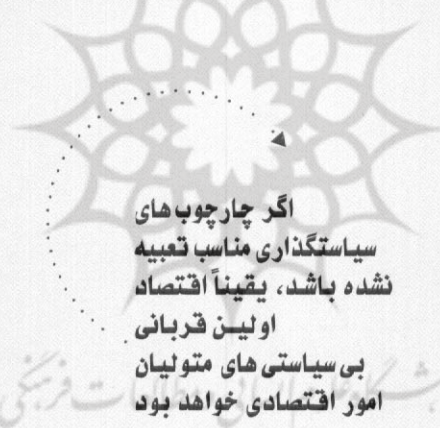
قیمت‌های حاکم بر بازار نخواهد شد. این مطلب در سال‌های چندگانگی نرخ ارز نیز بارها آزمایش و بر سیاستگذاران اقتصادی کشور این امر محرز شد که تخصیص ارز به نرخ‌های بسیار پایین دولتی جز با تمسک به تعزیرات حکومتی و کنترل‌های شداد و غلاظ سازمان بازرسی و نظارت، منجر به عرضه کالاها به قیمت‌های دولتی یا قیمت‌های پائین‌تر از قیمت بازار به مصرف‌کنندگان نمی‌شود.

مطلب عمده دیگر آن که هیچ‌گونه کنترل و نظارت دقیقی در کشور بر نحوه تخصیص و مصرف درآمدهای تقسیم‌نشده شرکت‌ها و مؤسسات تولیدی حاکم نیست، حجم قابل توجهی از سود تقسیم‌نشده شرکت‌ها و مؤسسات و تولیدکنندگان همواره در بازار پول و سرمایه از نرخ‌های سود بازار متمتع می‌شوند. لذا اگر هزینه تولید شرکت‌ها و مؤسسه‌ها از بابت هزینه‌های مالی پرداختی بالا ارزیابی می‌شود، به همان میزان سود دریافتی این مؤسسه‌ها از درآمدهای تقسیم‌نشده انباشتی آنها بالا می‌باشد. این مطلب دارای اهمیت است که بخش قابل توجهی از نقدینگی سرگردان در بازارهای پول و سرمایه و بازارهای غیررسمی داخلی و offshore، وجوه ذخیره‌ای شرکت‌ها و مؤسسه‌ها تولیدی است، که به‌طور طبیعی در پی حداکثرسازی سود مالی است. دولت و مقامات سیاستگذار، کنترل و نظارت حساب‌شده‌ای بر وجوه مازاد شرکت‌ها و مؤسسه‌ها ندارند و در حالی که این شرکت‌ها و مؤسسه‌ها از نرخ‌های

در ذیل شرکت های هولدینگ (مادر) شکل گرفته است. اغلب بانک های خصوصی به صورت هولدینگ مشتمل بر شرکت های سهامی در زمینه فعالیت بانکداری، بیمه گری، لیزینگ، کارگزاری بورس، شرکت های تخصصی متعدد دیگر نظیر فناوری اطلاعات و امثال آن سازماندهی شده اند. این ترتیبات دامنه و قدرت مانور وسیعی در اختیار بانک های خصوصی قرار می دهد که وجوه قابل استقراض خود را به زمینه های غیر تسهیلاتی تخصیص دهند. استفاده از وجوه تجهیزاتی بانک های خصوصی در زمینه های خارج از ترازنامه، اعمال هزینه های کارمزد و کمیسیون و حق العمل در حوزه اعطای تسهیلات از جمله راه هایی است که بانک های خصوصی با تسک به آن می توانند آثار و آسیب های ناشی از نرخ مصوب تسهیلات را تقلیل دهند. متأسفانه کشور در زمینه تشکیل هولدینگ های تخصصی و عمومی فاقد قوانین و مقررات لازم است و فضای محدود و نامساعد فعالیت برای بانک های خصوصی وضعیتی را ایجاد کرده که وجه مشخصه آن نبود شفافیت، ایجاد انحصارات و شرکت ها و مجموعه های بزرگ صنعتی - مالی و بازماندگی از اجرای وظایف اولیه و منطبق با فلسفه وجودی بانک های خصوصی است.

در زمینه آثار نامطلوب تقلیل نرخ های سود بانکی بدون توجه به سطح تورم بر متغیرهای کلان اقتصادی و رفتار بازیگران استراتژیک متأثر از این سیاست، چند مطلب پراهمیت وجود دارد. دولت، بانک های دولتی، بانک های خصوصی و سپرده گذاران اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی بازیگران اصلی و اثرپذیر از این سیاست ها تلقی می شوند. بی تردید مادام که بانک ها کاهش نرخ های مصوب را به حوزه سپرده گذاران تسری نداده اند، نباید تغییر عمده در رفتار سپرده گذاران را انتظار داشت. اما به هر حال این زیان اخلاقی عمده در تناسب یا به عبارتی بی تناسبی نرخ های سود سپرده ها و تسهیلات ایجاد شده که نرخ های سپرده های بانک ها بالاتر از نرخ های تسهیلات قرار گرفته است. انتقال اثر نرخ های پائین تسهیلات با لحاظ هزینه واسطه گری سه تا چهار درصد، به حوزه نرخ های سپرده ها، موضوعی است که در طول زمان با توجه به اصل رقابت، مدیریت نقدینگی بانک ها، ظرفیت جذب اقتصاد و بانک ها در استفاده از منابع در حوزه های غیر تسهیلاتی، موثر خواهد شد. تا آن زمان به ناچار آثار ناهنجار ناشی از این سیاست در صورت های مالی بانک ها به صورت زیان عملیاتی یا سوددهی پائین تر منعکس خواهد شد، که ماهیت و کم و کیف آن به عوامل متعدد فوق الذکر بستگی خواهد داشت. اما توجه به این نکته اساسی نیز ضروری است

که بانک های خصوصی با توجه به عدم گستردگی شعب و اتکای بیشتر به سپرده های بلندمدت آسیب پذیری بالاتری نسبت به این سیاست خواهند داشت. با توجه به پیچیدگی و تاثیر و تاثیر و متغیرهای کلان اقتصادی و نامشخص بودن رفتار بانک ها و سایر عناصر اثر گذار، از جمله سطح تورم، نمی توان با قطعیت نسبت به آثار زیان بار این سیاست در حوزه اقتصاد کلان نظر داد. اما با توجه به سیاست های مالی انبساطی دولت، دور از ذهن بودن کاهش نرخ تورم مطابق اهداف برنامه و کاهش سطح اعتماد و اطمینان فعالان اقتصادی به سیاست های دولت و شکل گیری تدریجی انتظارات تورمی، مصوبه شورای پول و اعتبار منجر به واسطه گریزی، گسترش بازارهای غیررسمی و کاهش نقش بانک ها در واسطه گری منابع، خصوصاً کاهش تخصیص منابع سرمایه گذاری به بخش غیردولتی خواهد شد. این ناهنجاری می تواند به تدریج وضعیت حاکم بر اقتصاد ملی تا قبل از سال های برنامه سوم را که در آن رفتارهای احتکاری صاحبان و جوه مازاد در بازار



### اگر چارچوب های سیاستگذاری مناسب نشده باشد، یقیناً اقتصاد اولین قربانی بی سیاستی های متولیان امور اقتصادی خواهد بود

کالا بسیار رایج و حاکم بود، بازگرداند. به این ترتیب آسیب شناسی مصوبه اخیر شورای پول و اعتبار و دامنه این آسیب می تواند از حوزه واسطه گریزی بانک ها و خروج وجوه قابل استقراض از شبکه رسمی بانکی کشور آغاز شود و تا حد احتکاری شدن اقتصاد و هجوم منابع نقد به سمت بازار کالا و کالاهای غیر قابل تجارت گسترش یابد.

### ۳- چارچوب سیاستگذاری پولی فعال

بحث در زمینه آثار منفی ناشی از سیاست های مداخله جویانه دولت در نظام پولی و بانکی کشور بدون رجوع به قالب صحیح، جامع و تعریف شده

سیاستگذاری پولی فعال معطوف به سالم سازی فضای فعالیت و کاهش تدریجی نرخ های سود نارسا و ابتر خواهد بود. تعاملات و سیاستگذاری های اقتصادی و مشکلات اقتصادی و غیراقتصادی در کشور به سطحی از پیچیدگی و گستردگی رسیده است که در شرایط نبود چارچوب های سیاستگذاری مناسب، ممکن است اتخاذ و اجرای سیاست های ناپایدار، نامناسب، متناقض و بعضاً غیرعقلانی اقتصادی (اما عقلانی با توجه به پارامترهای غیراقتصادی) را اجتناب ناپذیر سازد. اتخاذ سیاست های مناسب در چارچوب کلان کشور خصوصاً در کشورهای نفت خیز از حوزه اقتصاد شروع نمی شود. اما اگر چارچوب های سیاستگذاری مناسب تعبیه نشده باشد، یقیناً اقتصاد اولین قربانی بی سیاستی های متولیان امور اقتصادی خواهد بود. لذا طراحی و اجرای چارچوب های سیاستگذاری مناسب و جامع در تمامی بازارها، از جمله بازار پول و حوزه فعالیت های بانکی، یکی از الزامات برای احترام از این گونه آشفتگی هاست.

تورم و هدف گذاری تورم به عنوان اساسی ترین هدف سیاست های پولی فعال امروزه مورد توجه سیاستگذاران کلان در اغلب کشورهای جهان قرار گرفته است. این مطلب، یعنی کنترل تورم به عنوان بستر اصلی سیاستگذاری پولی فعال، از آن جهت اهمیت دارد که اساساً بدون وجود فضای اقتصادی قابل پیش بینی، غیرتورمی و باثبات، تدوین و اجرای سایر عناصر و اجزای سیاست های کلان (سیاست های بودجه ای و مالی، سیاست های بازار کالا و خدمات، سیاست های بازار کار و عوامل تولید، سیاست های بازرگانی داخلی و خارجی عمده ترین این اجزا تلقی می شود) ناممکن و بی ثبات خواهد بود. اما در تدوین و اجرای سیاست های پولی فعال معطوف به تثبیت قیمت ها و کنترل تورم، سه مولفه اساسی درآمدهای غیر قابل پیش بینی نفت (و عقیم سازی آثار آن، رژیم ارزی و مدیریت نقدینگی) تأثیر گذار هستند. برای موفقیت در اجرای سیاست های پولی هدفدار لازم است که سیاستگذار کلان برنامه روشن و مدونی در زمینه استحصال از منابع نفتی و نحوه استفاده از این درآمدها و همچنین کاهش تدریجی اتکا اقتصاد ملی و بودجه به درآمدهای نفتی در اختیار داشته باشد. در غیر این صورت بودجه و اقتصاد ملی در معرض تلاطمات ناشی از نوسانات قیمت نفت در بازارهای جهانی قرار خواهد گرفت و آنچه که از آن به عنوان همسویی دور تجاری اقتصاد ملی و قیمت جهانی نفت (Procyclical) یاد می شود، در اقتصاد ملی محقق می شود. همچنین لازم است رژیم ارزی کشور در زمینه

رویه های بانکی، بستر را برای عدم کارایی، سوء استفاده و رانت طلبی آماده ساخته است.

#### ۴- جمع بندی و نتیجه گیری

بدیهی است که هدف کاهش نرخ های سود بانکی فی نفسه امری مورد تایید است. بحث اساسی در تامین این هدف، چگونگی ترکیب و کیفیت سیاست های اقتصادی است. از این منظر، تناسب و ارتباط بین نرخ تورم (هدفگذاری شده و واقعی) و آرایش و معماری نرخ های حاکم بر بازار پول و سرمایه اهمیت بسیاری دارد. چنانچه هدف کاهش نرخ های سود بانکی در بستر و چارچوبی غیر جامع، متناقض و نامناسب اجرا شود، نه فقط به تامین هدف اولیه کمکی نخواهد کرد، بلکه آثار زیان بار اجرای دستوری این سیاست ساختار مالی و کارکرد نهاد های عمده بازار پول و در راس آن بانک ها را تحت فشار قرار خواهد داد. مضافاً آنکه واسطه گریزی و جوه قابل استقراض و رواج بازار های غیر رسمی پول یک تهدید جدی در فرآیند رشد و توسعه اقتصادی کشور تلقی می شود.

برای موفقیت در تامین هدف کاهش نرخ های سود بانکی بستر سازی لازم از جمله در زمینه طراحی و اجرای چارچوب سیاستگذاری پولی فعال معطوف به تثبیت قیمت ها و کاهش تورم، امری ضروری است. همچنین ضرورت دارد که ساختار مالی آسیب پذیر بانک های دولتی از بابت مطالبات لا وصول و بدهی های سنگین دولت و نیز کاهش تکالیف دولت بر بانک های دولتی، در چارچوب یک برنامه جامع اصلاح ساختار مالی، برای بانک های دولتی مورد توجه قرار گیرد و به اجرا درآید. ارزیابی و بازنگری بانکداری اسلامی از بابت مفاهیم ناهمگون با بانکداری مدرن و پیش بینی اصلاحات قانونی در این زمینه از جمله تکالیف سنگینی است که از دیرباز مطرح بوده است. طراحی و اجرای چارچوب توسعه بازار و ابزار های پولی و تطابق و هماهنگی در سیاست ها و نظارت بر بانک های دولتی و خصوصی نیز از جمله بستر سازی های لازم در این زمینه است. موفقیت در طراحی و اجرای موثر سیاست های ضد تورمی در اقتصاد ملی که زمینه ساز کاهش نرخ های سود بانکی و اجرای موثر وظایف نظام بانکی در امر تجهیز و تخصیص جوه قابل استقراض و رشد سرمایه گذاری و تولید است، در گرو توجه به مجموعه سیاست ها در قالب یک بسته هماهنگ و سازگار است. برنامه چهارم توسعه اقتصادی هسته اولیه این بسته را فراهم کرده است و اگر ضرورت داشته باشد آنگاه باید اصلاحات لازم در چارچوب همین برنامه عملیاتی و اجرایی شود. ●

سقف نرخ های تسهیلات برای بانک ها باز است. اگر چه در قانون عملیات بانکی بدون ربا نبود سقف در نرخ های تسهیلاتی ناظر بر عقود مشارکتی است و نرخ های تسهیلاتی برای عقود غیر مشارکتی در سطح حداقل تثبیت می شود، اما فقدان سقف نرخ سود در عقود مشارکتی و تثبیت نرخ ثابت در عقود غیر مشارکتی مسائل و مشکلات عدیده در نظام اعتباری کشور ایجاد می کند. نخست تثبیت نرخ ها در سطح حداقل برای عقود غیر مشارکتی در شرایط عدم تمایل طبیعی بانک ها به کاهش نرخ ها، انعطاف پذیری و عرصه رقابت را بر بانک ها تنگ می کند و به عبارتی نوعی تفاهم نانوشته (Collusion) در زمینه عدم کاهش نرخ های بین بانک ها ایجاد می کند، که در اغلب کشورها غیر قانونی تلقی می شود. باز بودن سقف نرخ های تسهیلات در عقود مشارکتی نیز مشکلات و زیان های اخلاقی خود را به دنبال دارد. مشارکت در قالب های غیر شرکتی و غیر حقوقی

تعیین نرخ ارز، در قالب نظام شناور مدیریت شده یا غیر آن، متناسب با حجم درآمدهای نفتی عقیم نشده تحت تاثیر عوامل عرضه و تقاضا قرار داشته باشد. با لحاظ این دو عنصر عمده در حوزه سیاستگذاری پولی و تامین این پیش شرط ها، آنگاه سیاست و مدیریت نقدینگی متناسب با نرخ تورم مورد هدف تعریف و تبیین می شود.

به این ترتیب با تدوین چارچوب سیاستگذاری پولی فعال معطوف به کنترل تورم و اهداف نقدینگی متناسب با آن، نرخ های بلندمدت سپرده های بانکی در حاشیه معینی از اهداف تورمی تعریف می شود. از این مرحله به بعد با در دست بودن حداقل نرخ های سود سپرده ای و در نظر گرفتن ترکیب موزون سپرده ها و نرخ های مربوط به هر یک از انواع سپرده ها و حاشیه سود بانکی (اسپرد)، حداکثر نرخ سود تسهیلات بانکی حاصل می شود. مقام پولی می باید در ایجاد ارتباط بین نرخ های سود سپرده های بانکی، از جمله با در نظر گرفتن میزان سپرده قانونی و حجم نقدینه ضروری بانک ها برای پاسخگویی به مطالبات مردم، تصویر روشنی در زمینه هزینه تجهیز منابع هر گروه از بانک ها در اختیار داشته باشد. همچنین لازم است برای هر گروه از بانک ها حسب اندازه و گستردگی شعب و سایر عوامل هزینه اسپرد بانکی مجاز تعریف شود. با در نظر بودن هزینه تجهیز و حاشیه سود بانکی در هر گروه از بانک ها، حداکثر نرخ سود تسهیلات حاصل می شود. با توجه به آن که در نظام بانکداری متعارف در جهان نرخ سپرده های بانک ها در سطح حداقل و نرخ های تسهیلات در سطح حداکثر تعریف می شود، لذا بانک ها مجاز خواهند بود در عرصه رقابت با افزایش کارایی و بهره وری و به تبع آن کاهش اسپرد بانکی، نسبت به افزایش نرخ سپرده یا کاهش نرخ تسهیلات اقدام نمایند. در چارچوب این نظام مقام پولی باید همواره این آمادگی را داشته باشد که در نرخ های پائین تر از نرخ تسهیلات، اما قطعاً بالاتر از هزینه تجهیز منابع بانک ها، نقدینگی مورد نیاز بانک ها را در بازار کوتاه مدت بین بانکی تامین نماید.

برای طراحی و اجرای عناصر بسته سیاستی بیان شده لازم است مطالعات کارشناسی وسیعی صورت بگیرد. از جمله مشکلات عمده در راستای طراحی چارچوب سیاستگذاری پولی فعال در کشور، موانع قانونی موجود است. به عنوان مثال اگر چه در اغلب نظام های پولی و اعتباری جهان نظام تدوین نرخ های بانکی و هزینه های غیر عملیاتی (هزینه واسطه گری) بر مبنای حداقل نرخ سود سپرده ها و حداکثر نرخ تسهیلات تعریف شده است، نظام مذکور در قانون بانکداری بدون ربا کشور از حداقل نرخ تسهیلات صحبت می کند و علی القاعده

### تورم و هدفگذاری

#### تورم به عنوان

#### اساسی ترین هدف

#### سیاست های پولی فعال

#### امروزه مورد توجه

#### سیاستگذاران کلان در

#### اغلب کشورهای جهان

#### قرار گرفته است

مشخص قابلیت اجرا ندارد و تجربه دو دهه گذشته نشان داده است که جز در موارد استثنایی عقود مشارکتی کارایی لازم را ندارد. این عدم کارایی خصوصاً در مورد پروژه های بزرگ قابل توجه است. زیرا که شناسایی سود در این طرح ها مستلزم برآورد دقیق هزینه تمام شده طرح و قیمت بازار آن است، که در هر دو زمینه مشکلات عدیده وجود دارد. اساساً در زمینه بعضی از پروژه ها بازاری وجود ندارد. این گونه مشکلات و موانع در قوانین و مقررات بانکی کشور فراوان دیده می شود، که از یک طرف مانع از ارتقای سطح کارایی نظام بانکی کشور در زمینه کاهش هزینه های واسطه گری و غیر عملیاتی شده است و از طرف دیگر به دلیل زبان اخلاقی مفرط در